

بلژیک

پادشاهی بلژیک کشوری است در غرب اروپا. پایتخت آن بروکسل است. بلژیک در شمال با هلند، در شرق با آلمان، در جنوب شرقی با لوکزامبورگ، در جنوب با فرانسه و از شمال غربی با دریای شمال مجاور است.

"پادشاهی بلژیک" (هلندی: "Koninkrijk België، فرانسوی: "Royaume de Belgique"; آلمانی: "konigreich Belgien") یکی از مهم ترین و اصلی ترین اعضای اتحادیه اروپا به شمار می رود. بلژیک دارای جمعیتی بیش از ده میلیون نفر با مساحتی حدود ۳۰.۰۰۰ کیلومتر مربع می باشد. (۱۱.۷۰۰ مایل مربع)

حدود فرهنگی بلژیک از لحاظ زبانشناسی بین آلمانی و زبان رومنس تقسیم شده است و دارای دو زبان اصلی است. در ۶۰٪ مناطق، اکثر مناطق فلاندرز هلند صحبت می شود (در حالی که بلژیکی ها از هر دو زبان با عنوان فلمینگی یاد می کنند); فرانسوی در ۴۰٪ مناطق جنوبی مثل والونیا صحبت می شود و منطقه

پایتخت - بروکسل هر دو زبان در ادارات مرسوم است که همچنین شامل گویش اقلیت هلندی نیز می شود، کمتر از ۱٪ مردم بلژیک در اقلیت آلمانی زبان در شرق کشور زندگی می کنند. این تنوع زبانی اغلب موجب تناقضات فرهنگی سیاسی می شود و نشان دهنده ترکیب اقلیت ها و مناطق بلژیک سیستم حکومتی و تاریخ

بلژیک | تاریخ سیاسی می شود.

بلژیک نام خود را از اسمی لاتین که نام اکثر بخش های شمالی گاول (Gaul) بود با عنوان گاولیا بلژیکا برگرفته است، و به یاد گروهی از افراد قبایل کلت (celt) بلژی نامیده شد. به لحاظ تاریخی، بلژیک قسمتی از کشورهای اسکاندیناوی بوده که شامل هلند و لوگزامبورگ نیز می شده است و سابقاً نواحی وسیع تری را نسبت به گروه ایالت های بنلوکس حاضر در می گرفته است. از اواخر قرون وسطی تا قرن هفدهم، مرکز تجاری و فرهنگی پر رونقی به شمار می رفته است. از قرن شانزدهم تا انقلاب بلژیک در سال ۱۸۳۰، بلژیک در دوره ای که هلند شمالی نام داشت، محل جنگ های بسیاری بود که بین قدرت های اروپایی در می گرفت، و با عنوان "میدان جنگ اروپا" لقب گذاری شده بود. اخیراً بلژیک عضو برجسته ای از اتحادیه اروپا به شمار می رود و مانند دیگر اعضای اصلی سازمان های بین المللی، مثل ناتو، میزبان مرکز فرماندهی آن بوده است.



تاریخ

بیش از دو هزار سال پیش، ناحیه ای که اینک بلژیک خوانده می شود، دارای جمعیت زیادی بوده و اغتشاشات فرهنگی و سیاسی فراوانی را شاهد بوده است. اولین حرکت مستند شده مردمی تصرف منطقه توسط جمهوری روم، در قرن اول بعد از میلاد مسیح بود که تا قرن پنجم توسط آلمانی ها، فرانکها ادامه پیدا کرد. فرانکها پادشاهی مرووینگیان را تثبیت کردند که در قرن هشتم امپراطوری کارولینگیان نام گرفت. در طی قرون وسطی، کشورهای اسکاندیناوی به چندین ایالت فئودال کوچک تقسیم شدند. بسیاری از آنان در طی قرون چهاردهم و پانزدهم توسط خاندان برگندی با عنوان هلند برگندین متحد گشتند. این ایالات در قرن پانزدهم استقلال بیشتری یافتند و پس از آن ایالات هفده گانه نام گرفتند.



ایالات هفده گانه (نواحی نارنجی، قهوه ای و زرد رنگ) و ناحیه تحت فرماندهی اسقف Liège (منطقه سبز). برای توضیحات دقیق تر ایالات هفده گانه را مشاهده کنید.

تاریخ بلژیک را می توان از قرن شانزدهم از تاریخ اسکاندیناوی تفکیک کرد. جنگ هشتاد ساله (۱۶۴۸-۱۵۶۸)، ایالات هفده گانه را به جمهوری هفت ایالات متحده در شمال و هلند جنوبی در جنوب تقسیم کرد. ایالات جنوبی توسط هابسبرگ اسپانیایی، آستریایی با موفقیت قانونگذاری شد. تا زمان استقلال، هلند جنوبی توسط بسیاری از متصرفان فرانسوی بازدید شد و محل بسیاری از جنگهای فرانسه - اسپانیا و فرانسه - استریا در قرون هفده و هجده بود. در پی جنگهای انقلاب فرانسه: نبرد ۱۷۹۴ در جنگهای انقلاب فرانسه، مناطقی از اسکاندیناوی که هرگز تحت اختیار هابسبرگ نبودند، مانند اسقف ارباب توسط فرانسه اشغال شدند و نقش اسپانیایی ها و استریایی ها در منطقه پایان یافت. الحاق مجدد اسکاندیناوی پادشاهی متحده هلند در پایان اولین امپراطوری فرانسه در ۱۸۱۵ اتفاق افتاد.

انقلاب ۱۸۳۰ بلژیک موجب تثبیت استقلال کاتولیکها و بیطرف شدن بلژیک تحت حکومتی موقتی شد. از زمان انتصاب لئوپولد اول به عنوان پادشاه در سال ۱۸۳۱ بلژیک دارای یک نظام سلطنتی قانون اساسی و دموکراسی پارلمانی شد. در میان دوره استقلال و جنگ جهانی دوم، سیستم دموکراتیک از حکومت معدودی از ثروتمندان ناشی گشت که با دو حزب اصلی مشخص می گشتند. کاتولیکها و لیبرال ها، برای دستیابی به یک سیستم هماهنگ که سومین حزب را شامل می شد، حزب کارگری و نقش قدرتمند اتحادیه بازرگانی. در اصل، فرانسوی، که زبن سازگار شده

اشراف و بورژواها بود، زبان رسمی و اداری به شمار می رفت. این کشور تا این زمان با یک سیستم دوزبانه هلندی - فرانسوی گسترش یافته است. کنفرانس برلین در سال ۱۸۸۵ با پیمان استعمار کنگو با پادشاه لئوپولد دوم به عنوان املاک شخصی اش موافقت کرد و آن را ایالت آزاد کنگو نامید. در سال ۱۹۰۸، کنگو به عنوان مستعمره به کشور بلژیک واگذار گردید و از آن زمان به بعد کنگو بلژیک نامیده شد. بیطرفی بلژیک در سال ۱۹۱۴، در زمانی که آلمان بلژیک را به عنوان بخشی از نقشه شلیفن مورد حمله قرار داد. مستعمره های سابق آلمان، رومانی و اوروپا - که امروزه رومانی و برونوی نامیده می شوند توسط کنگو بلژیک در سال ۱۹۱۶ تصرف شد. در سال ۱۹۲۴ این مناطق توسط اتحادیه ملل تحت اختیار بلژیک در آمدند. بار دیگر بلژیک توسط آلمان ها در سال ۱۹۴۰ طی یک یورش وحشیانه مورد حمله قرار گرفت. تا زمستان سال ۱۹۴۴-۴۵ که توسط نیروی متفقین آزاد شد تحت اشغال قرار داشت. کنگو بلژیک استقلالش را طی بحران کنگو در سال ۱۹۶۰ به دست آورد و رومانی اوراندی در سال ۱۹۶۲ مستقل شد. بعد از جنگ جهانی دوم بلژیک به نیروهای ناتو پیوست و همراه با هلند و لوگزامبورگ گروه ملل بنلوکس را تشکیل داد. بلژیک همچنین یکی از شش عضو پایه گذار اتحادیه اروپایی فولاد و ذغالسنگ تاسیس شده در سال ۱۹۵۱، اتحادیه اقتصادی اروپایی تشکیل شده در سال ۱۹۵۷ و اتحادیه انرژی اتمی اروپایی می باشد. بلژیک

میزبانی فرماندهی ستاد مرکزی ناتو بر عهده دارد و همچنین بخش مهمی از نهاد ها و موسسات اتحادیه اروپاست که شامل هیئت اروپایی، شورای اتحادیه اروپا و جلسات فوق العاده پارلمان اروپا بعلاوه بخشی از موسساتش می باشد. در طول قرن بیستم و به طور اخص از جنگ جهانی دوم تاریخ بلژیک به سرعت تحت تاثیر دو کمیته اصلی خودگردان آن قرار گرفته است. این دوره شاهد افزایش کشمکش های فرقه ای بوده است و اتحاد ایالات بلژیک تحت بررسی قرار گرفته است.

از طریق اصلاحات قانون اساسی در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، تقسیم نواحی کشور به ایجاد نظامی سه ردیفه منجر شد: فدرالیسم، انجمن زبان شناختی و دولت منطقه ای، مصالحه برای کاستن کشمکش های زبانی. امروزه این نهاد های فدرال قدرت قانونی بیشتری نسبت به پارلمان دو مجلس شورا و سنا کسب کرده اند در حالی که دولت ملی هنوز تقریباً تمام مالکیت را کنترل می کند، بیش از ۸۰ درصد از دارایی های انجمن زبان شناختی و دولت منطقه ای و صد در صد تامین اجتماعی.

دولت و سیاست

بلژیک کشوری پادشاهیست. پادشاهی ای دارای وجهه ملی و دموکراسی مجلسی که پس از جنگ جهانی دوم از یک ایالات متحده به یک اتحادیه تبدیل شد. سیستم دو پارلمانی از سنا و مجلس شورا تشکیل شده است. در حالی که سنا مجموعه ای از سیاستمداران بالارته منتخب و نمایندگان انجمن ها و مناطق است، مجلس

شورا نشانگر تمام بلژیکی های بالاتر از هجده سال در یک نظام رای گیری همزمان می باشد. بلژیک از معدود کشورهاییست که رای دادن در آن اجباریست و به همین علت در جهان یکی از بالاترین آمار رای گیری را داراست.[۱]

دولت فدرال که رسماً توسط پادشاه معرفی می شود، باید از مجلس شورا رای اعتماد بگیرد. توسط رئیس جمهور رهبری می شود. تعداد وزرای هلندی و فرانسوی زبان طبق آنچه توسط قانون اساسی تعریف شده باید مساوی باشد. [۲] در انتخابات عمومی بلژیک در سال ۲۰۰۳، ورهفستاد برای بار دوم برنده دوره انتصاب مجلس شد و رهبری ائتلاف چهار حزبی لیبرال سوسیال دموکرات ها را بر عهده گرفت. ساختمان مجلس شورا بر روی سایت رسمی مجلس به زبان فرانسه. در سال های اخیر همچنین در حزب راست گرای افراطی جدائی طلبان ملی فلمینگ ها تحرکات زیادی مشاهده شده است که درعین حال این حزب بر حزب Vlaams Belang که با اتهام نژادپرستی روبرو است غلبه کرده است. [۳] هدف اصلی دو حکومت ورهفستاد متعادل کردن بودجه بود؛ بلژیک یکی از معدود اعضای EU است که تا کنون به این هدف نایل گشته است. این سیاست توسط حکومت های موفق در طی دهه ۱۹۹۰، تحت فشار از جانب شورای اروپا به کار گرفته می شد. سقوط دولت پیشین عمدتاً به خاطر بحران دی اکسین بود. [۴] این واقعه به جنجال بزرگ و نا بهنجار حزب سبز در مجلس انجامید و تاکید بیشتری بر روی

سیاست های محیطی طی دولت اول ورهفستاد به وجود آورد. به عنوان مثال یکی از سیاست های حزب سبز باعث تصویب قانون خارج کردن قدرت هسته ای بلژیک شد، که توسط دولت جاری تعیین شده است. عدم حضور حزب دموکرات های مسیحی در مقامات دولتی به ورهفستاد این توانایی را داد تا موضوعات اجتماعی را با دیدگاهی لیبرال تر بر عهده بگیرد و قانون استفاده از مواد مخدر ملایم، ازدواج هم جنسان و کشتن از روی ترحم را به تصویب برساند. در دوره دو تا از مهم ترین مجالس بلژیک دولت سیاست فعالی را در آفریقا اتخاذ کرده است، [۵] این سیاست ها بر خلاف دخالت سیاسی طی بحران خلع سلاح عراق بود و باعث تصویب قانونی در رابطه با جنایت های جنگ شد. در هر دو دوره حکومت ورهفستاد این مسئله مورد بحث انجمن بلژیک شد. از موارد مورد بحث اصلی می توان به راه های هوایی شبانه در فرودگاه بروکسل و وضعیت ناحیه انتخاباتی بروکسل - هال - ویلوود اشاره نمود.

جغرافیا ، آب و هوا و محیط

بلژیک با ۳۰۵۲۸ کیلو متر مربع (۱۱۷۸۷ مایل مربع) سه منطقه جغرافیایی مهم دارد: دشت ساحلی در شمال غربی ، فلات مرکزی و کوه های آردنس در جنوب شرقی. دشت ساحلی عمدتاً شامل تپه های شنی و اراضی پست کنار دریا (polders) می شوند. اراضی پست کنار دریا نواحی ای از زمین ، نزدیک و یا زیر

سطح دریا هستند که از دریا به جا مانده و یا اراضی داخلی بیشتری که از کانال ها زهکشی شده و توسط Dikes دایک ها محافظت شده اند. منطقه جغرافیایی دوم، زمین هایی است که در نواحی دورتر قرار دارد. این یک منطقه روان و پیش رونده است که دره های حاصلخیز را در بر می گیرد و توسط زهکشی های متعددی آبیاری می شود. در اینجا همچنین می توان زمین های سخت تری را یافت که شامل غارها و تنگه های کوچک می شود.

سومین منطقه جغرافیایی، که آردنس نامیده می شود، ناهموارتر از دو مورد اولی است. انبوه جلگه های جنگلی، که بسیار صخره ای است و برای کشاورزی چندان مناسب نمی باشد، و تا فرانسه شمالی وسعت یافته اند. در اینجا، می توان بسیاری از نمونه های حیات وحش بلژیک را یافت. مرتفع ترین نقطه بلژیک، signsl de Boglange در این منطقه در ۶۹۴ متری (۲۰۲۷۷ فوت) واقع شده است. آب و هوای در بلژیک، معتدل دریایی است، همراه با میزان بارندگی زیاد در تمام فصول (طبقه بندی آب و هوایی کپن). میانگین دمای هوا برابر با ۳ درجه سلسیوس در ژانویه، و ۱۸ درجه سلسیوس در جولای و متوسط میزان بارندگی ۶۵ میلیمتر در ژانویه و ۷۸ میلیمتر در جولای می باشد.

به دلیل تراکم بالای جمعیت و مکان در مرکز اروپای شرقی، بلژیک با مشکلات محیطی مهمی روبروست. در گزارش سال ۲۰۰۳ [۸] بیان شده است که آب رودخانه

های بلژیک جزء کم کیفیت ترین آب های اروپاست و در پایین ترین رده لیست ۱۲۲ کشوریست که مورد مطالعه قرار گرفته اند.

اقتصاد

بلژیک، با جمعیت متراکم، در قلب یکی از مهمترین مناطق صنعتی جهان قرار گرفته است. به طور جاری، اقتصاد بلژیک، عمدتاً بر پایه خدمت است و طبیعتی با بخش های دوگانه فلاندرز | فلمنگی جلوه پویایی از خود بروز داده و بروکسل به عنوان مرکز چند نژادی و چند زبانه آن، و یکی از بلندمرتبه ترین اعضای اتحادیه اروپا ست و اقتصادی والونیا|والون که از لحاظ تولید ناخالص ملی یک چهارم عقب مانده است.

بلژیک اولین کشور اروپایی اقلیمی بود که در اوایل دهه ۱۸۰۰ دستخوش انقلاب صنعتی شد. شهرهای لی یژ و شارلوآ به سرعت در صنایع معدن و فولادسازی توسعه یافتند و در اوایل قرن بیستم کاملاً شکوفا شدند. با این حال، در دهه ۱۸۴۰ صنعت پارچه بافی فلاندرز به بحران شدیدی دچار شد و فلاندرز از این جهت دچار قحطی شد. بعد از جنگ جهانی دوم، شهرهای گنت و آنت ورپ توسعه سریع صنایع شیمی و پتروشیمی را تجربه نمودند. بحران های نفت ۱۹۷۳ و بحران نفت ۱۹۷۹ اقتصاد را به سمت ترقی طولانی مدت پیش برد. صنعت فولادسازی بلژیک

تا کنون رکودهای اقتصادی زیادی را تجربه نموده است. این مسئله مانع از توسعه اقتصادی والونیا شده است.

در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ توسعه مرکز اقتصادی کشور به سمت شمال فلاندرز

ادامه یافت. امروزه، صنعت در مناطق پرجمعیت فلمنگی در شمال متمرکز شده

است. در پایان دهه ۱۹۸۰، سیاست های اقتصاد کلان بلژیک به بدهی انباشته دولت

در حدود ۱۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی منجر شد. به طور جاری، بودجه در

تعادل است و بدهی عمومی با ۹۴.۳ درصد از تولید ناخالص داخلی (تا پایان سال

۲۰۰۵) هم تراز می باشد PDF در سال ۲۰۰۴ نرخ حقیقی رشد تولید ناخالص

داخلی در حدود ۲.۷ درصد محاسبه شد. [۱۰] اما انتظار می رود در سال ۲۰۰۵

این مقدار به ۱.۳ درصد تنزل کرده باشد. [۱۱] بلژیک به طور خاص دارای اقتصاد

باز است. از لحاظ حمل و نقل بلژیک، دارای زیربنای محکم بنادر، کانال ها و راه

آهن و بزرگ راه است که امکان یکپارچه شدن صنعتش با صنایع همسایگانش را

به آن می دهد. بندر آنت ورپ دومین بندر بزرگ اروپاست. بلژیک، به عنوان یکی

از اعضای پایه گذار اتحادیه اروپا، از توسعه قدرت سازمان های این اتحادیه برای

یکپارچه سازی اقتصاد کشورهای عضو شدیداً حمایت می نماید. در سال ۱۹۹۹،

بلژیک، یورو، تنها واحد پول اروپایی، را به عنوان واحد پول پذیرفت و در سال

۲۰۰۲، آن را جایگزین فرانک بلژیک کرد. اقتصاد بلژیک، قویاً به تجارت خارجی به

ویژه کالاهای ارزش افزوده وابسته است. واردات عمده آن عبارتند از تولیدات غذایی، ماشین آلات، الماس خام، نفت خام و تولیدات نفتی، مواد شیمیایی، لباس و لوازم و منسوجات. صادرات عمده آن عبارتند از اتومبیل، غذا و تولیدات غذایی، آهن و فولاد، الماس پرداخته، منسوجات، پلاستیک، تولیدات نفتی و فلزات غیر آهنی. از سال ۱۹۲۲، بلژیک و لوکزامبورگ دارای یک بازار تجاری مشترک با گمرک و واحد پول یکسان بوده اند که تحت عنوان اتحادیه اقتصادی بلژیک لوکزامبورگ فعالیت می نماید. شرکای تجاری اصلی این اتحادیه عبارتند از آلمان، هلند، فرانسه، بریتانیای کبیر، ایتالیا، ایالات متحده آمریکا و اسپانیا. بلژیک در سال ۲۰۰۵، از نظر شاخص توسعه انسانی، در سازمان ملل، در رده نهم قرار داشته است.